

تحلیل درون‌مایه‌ی مقطع غزل

(با بررسی درون‌مایه‌ی مقطع غزل‌های میر کرمانی، خواجوی کرمانی، عماد فقیه

کرمانی و حافظ شیرازی)

زهرا احمدی‌پور اناری ^{ID}*

حکیمه دانشور ^{ID}**

مهدیه افرا ^{ID}***

چکیده

در این پژوهش مقطع غزل‌های چهار شاعر قرن هشتم؛ میرکرمانی، خواجوی کرمانی، عمادکرمانی و حافظ شیرازی بررسی می‌گردد تا هم کم و کیف درون‌مایه‌ی مقطع غزلیات این شاعران معلوم شود و هم ظرفیت معنایی مقطع غزل مشخص گردد. برای انجام این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده‌است؛ بدین منظور درون‌مایه‌ی تمام ابیات مقطع در دیوان غزلیات چهار شاعر استخراج و بررسی شد. نتایج تحقیق نشان داد که مقطع غزل جایگاهی برای ارائه‌ی درون‌مایه‌های متنوع غنایی و نیز مضامین غیرغنایی است؛ وجود درون‌مایه‌های واقع‌گرایانه از جمله رندانه (که زیربنای آن انتقاد اجتماعی است)، مفاخره، مدح، یادکرد وطن و بیان احوال شخصی در مقطع غزل، ظرفیت‌های معنایی بیت پایانی غزل را می‌افزاید و باعث می‌شود که بیت مقطع در پژوهش‌های تاریخی، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مدّ نظر قرار گیرد. همچنین نتیجه‌ی تحقیق نشان داد که بیت مقطع می‌تواند موضعی برای مضمون‌گرایی یا معناگرایی باشد؛ به‌طوری‌که شاعر مضمون‌پردازی چون میرکرمانی در بیت مقطع نیز به بیان مضامین عاشقانه می‌پردازد، اما شاعر معناگرایی چون حافظ با رویکردی برون‌گرایانه، درباره‌ی خود (با مفاخره و بیان احوال شخصی)، درباره‌ی دیگران (با مدح) و درباره‌ی جامعه (با پند و انتقاد) سخن می‌گوید.

واژه‌های کلیدی: حافظ، خواجوی کرمانی، درون‌مایه، عماد فقیه کرمانی، مقطع غزل، میر کرمانی.

۱. مقدمه

درون‌مایه یا مضمون (theme)، یکی از مهم‌ترین جنبه‌های معنایی شعر است که اندیشه و جهان‌بینی شاعر را مشخص می‌سازد و پیام شاعر را به خواننده ابلاغ می‌کند. درون‌مایه «فکر اصلی و بنیادی و نسبتاً انتزاعی است که در اثر ادبی، صورت بیانی ملموس می‌یابد» (مدرسی، ۱۳۹۰: ۱۵۷) و «جهت فکری و ادراکی نویسنده‌اش را نشان می‌دهد» (داد، ۱۳۹۰: ۲۱۹). درون‌مایه‌ی یک اثر، موضوع آن نیست، بلکه ایده‌ی مرکزی و اصلی است که ممکن است به‌صورت مستقیم یا

* دانشیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران (نویسنده مسئول). Z.ahmadipoor@cfu.ac.ir

** استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. Ha.daneshvar2012@yahoo.com

*** دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه فرهنگیان، دبیرآموزش و پرورش. Aframahdiyeh@gmail.com

غیرمستقیم بیان شود (cuddon, 2019)؛ شاعران با ارائه‌ی درون‌مایه، جهت التذاذ خوانندگان، نشان دادن احساسات خود، آموزش اخلاقی، آگاه کردن مردم از مسائل اجتماعی و جلب توجه آنها استفاده می‌کنند (Halim, 2023, 158)؛ از این جهت بررسی درون‌مایه‌ی متن ادبی ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا اندیشه و جهان‌نگری صاحب سخن را آشکار می‌سازد.

میرکرمانی از معاریف غزل‌سرایان قرن هشتم و از مشاهیر شعرای کرمان بود قدیم‌ترین و تنهاترین منبعی که در مورد این شاعر کرمانی سخنی دارد، «تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی» است که در آن چنین آمده است: «شاعری خوشگوی است و معاصر خواجه بوده و غزل را نیکو می‌گوید» (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۲۵۳).

خواجهی کرمانی (۷۵۳-۶۸۹ ق) از غزل‌سرایان بزرگ قرن هشتم است که شیوه‌ی غزل‌سرایی او «در سخن حافظ به کمال رسید» (صفا، ۱۳۶۹)؛ از این رو «طرز سخن‌پردازی و ابهام‌ورزی و باریک‌اندیشی و ظرافت لفظ و مضمون خواجه با حافظ شباهت فوق‌العاده‌ای دارد» (خرمشاهی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۶۸).

عماد فقیه کرمانی (متوفی ۷۷۳ ق) از شاعران بزرگ کرمان است که در یکی از دوره‌های درخشان شعر این دیار؛ یعنی قرن هشتم هجری ظهور کرد. عماد را باید از شاعران خانقاهی ایران به شمار آورد. پدرش و عمویش نظام‌الدین محمود فقیه هر دو از اهل طریقت و خانقاه بودند و عماد در دامان این دو پرورش یافت (میرافضلی، ۱۳۸۶: ۵۵۹).

در این مقاله درون‌مایه‌ی بیت مقطع از غزل‌های سه شاعر کرمانی و حافظ شیرازی، غزل‌سرای بزرگ قرن هشتم، که در بیان «معنی و لفظ» غزل جادو کرد (شمیسا، ۱۳۶۹: ۱۳۲) بررسی می‌شود. قابل ذکر است که با توجه به اینکه حافظ غزل‌سرای صاحب سبک و از بزرگ‌ترین غزل‌سرایان کل دوران ادب فارسی است، در این مقاله از اشعار وی به‌عنوان ملاک و معیار بلاغت کلام هم استفاده می‌شود.

۱.۱ بیان مسئله

تشخیص درون‌مایه‌ی غزل و تحقیق درباره‌ی آن کاری دشوار است؛ زیرا غزل‌سرا اغلب تصویرسازی می‌کند و عاشق (= قهرمان غزل که گاه خود شاعر است) را وامی‌دارد در فضای غزل جولان دهد و معشوق را بر سریر عظمت معشوقی می‌نشانند و فضای غزل را با تکرار مضامین پرکاربرد غزلی، غبارآلود می‌سازد، به‌طوری‌که عشق و عرفان نیز گاه مشتبّه می‌شود. از سوی دیگر ابهام هنری و جنبه‌ی زیبایی‌شناسیک غزل را نیز باید در نظر گرفت که درون‌مایه در آن با صراحت بیان نمی‌شود، از این رو شناخت اندیشه و کم و کیف معانی غزل گاه مشکل می‌شود. بدین سبب در این پژوهش به بررسی درون‌مایه‌ی مقطع غزل این غزل‌سرایان پرداخته می‌شود تا روشن گردد درون‌مایه‌های پرکاربرد در غزل این چهار شاعر قرن هشتم چیست؟ از آنجا که درون‌مایه‌ی غزل، اغلب در پرده‌ی صورخیال و به‌ویژه فضای نمادین غزل، پوشیده می‌ماند و بررسی آن، در تمام ابیات غزل، دشوار است، در این پژوهش فقط درون‌مایه‌ی مقطع غزلیات میرکرمانی (شامل ۴۲۳ بیت)، خواجهی کرمانی (شامل ۹۳۲ بیت)، عماد کرمانی (شامل ۶۹۹ بیت) و حافظ شیرازی (شامل ۴۸۶ بیت) بررسی

می‌گردد تا بر اساس تعبیر «مشت نمونه خروار است»، درون‌مایه‌ی غزل این شاعران بررسی شود؛ زیرا غزل‌سرا در بیت آخر غزل، تخلص یا نام شعری خود را قرار می‌دهد و با ذکر تخلص، حال و هوای بیت عوض می‌شود و شاعر علاوه بر بیان معانی غنایی، به بیان معانی و مضامینی خاص می‌پردازد؛ مثلاً درباره‌ی خود و خواسته‌های خود سخن می‌گوید یا از ممدوح تقاضایی می‌کند و یا از شعر خود تعریف و تمجید می‌کند؛ از این رو بررسی مقطع غزل اهمیت زیادی دارد و پژوهشگر می‌تواند با محدود کردن زمینه‌ی پژوهش به بررسی درون‌مایه‌ی غزل بپردازد. در این مقاله سؤالات زیر پاسخ داده می‌شود:

- (۱) در مقطع غزل‌های میرکرمانی، خواجوی کرمانی، عمادکرمانی و حافظ شیرازی چه درون‌مایه‌هایی دیده می‌شود؟
- (۲) چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در کم و کیف درون‌مایه‌ی مقطع غزل‌های میرکرمانی، خواجوی کرمانی، عماد فقیه کرمانی و حافظ شیرازی دیده می‌شود؟

۲.۱. پیشینه‌ی تحقیق

در کتب تذکره و تاریخ ادبیات به درون‌مایه‌ی غزل اشاراتی شده‌است، همچنین درباره‌ی درون‌مایه‌ی غزل در کتب اختصاصی غزل، همچون کتاب *سیر غزل در شعر فارسی* (شمیسا، ۱۳۶۹)، *آفاق غزل* (صبور، ۱۳۸۲)، *سیر تحول غزل فارسی از مشروطیت تا انقلاب* (روزبه، ۱۳۷۹) و نیز در آثاری که غزل‌های یک غزل‌سرا بررسی و شرح شده است به صورتی کلی سخن رفته است. در مقالات متعددی نیز به درون‌مایه و مضامین غزل برخی شاعران پرداخته شده است؛ برخی مقالات یک درون‌مایه‌ی غزل را بررسی کرده‌اند؛ مانند «سیر غزل مدحی در ادب فارسی» (ایشانی، ۱۳۹۳) که با رویکردی تاریخی، کاربرد مضمون مدح را در غزل بررسی کرده است، همچنین «گونه‌شناسی غزل قلندری؛ با محوریت غزل قلندری عطار و عراقی» (قادر؛ شمسی، ۱۴۰۱) و مقالات دیگری که یک یا دو درون‌مایه را در غزلیات یک شاعر بررسی کرده‌اند. بورگل به نقل از آربری، غزل را دارای موضوع عمده و موضوع فرعی می‌داند و معتقد است که «بیت مقطع با موضوع و تم مشخص خود (که وی آن را مضمون خاتمه یا پایانی می‌نامد) بر آنها اضافه می‌شود» (بورگل، ۱۳۶۹: ۱۷۶ تا ۱۹۰ به نقل از صلاحی، ۱۳۸۷: ۳۹). پیرامون درون‌مایه‌ی مقطع غزل، یک مقاله دیگر هم کار شده است: مقاله‌ی «بررسی کاربرد معنایی تخلص شمس در غزل‌های مولوی» (احمدی‌پوراناری، ۱۳۹۴). در این مقاله نویسنده نشان داده است که مهم‌ترین درون‌مایه‌ها در مقطع غزل‌های مولوی (فقط غزل‌های همراه با تخلص شمس) عبارتند از: مدح شمس، اظهار عشق، شکوه از فراق و طلب وصال شمس، جاری شدن شعر بر زبان مولوی به خاطر شمس، پند و اندرز و گفت‌وگو با شمس. با توجه به پیشینه، درباره‌ی موضوع مقاله‌ی حاضر، تحقیقی انجام نشده است و نتیجه‌ی تحقیق می‌تواند در شناخت معانی غزل در بیت مقطع و به‌ویژه این چهار شاعر، به‌عنوان نمایندگان غزل قرن هشتم مؤثر واقع شود.

۳.۱. ضرورت تحقیق

درون‌مایه‌ی غزل به سختی آشکار می‌شود، تعبیر «دنیای رمزی غزل» (شمیسا، ۱۳۶۹: ۲۸۸) نیز اشاره به همین نکته دارد و علت آن است که غزل قالبی پر از تکرار مضمون، سرشار از احساس، نمادین و تا حدی تأویل‌پذیر است؛ از این رو درون‌مایه‌ی غزل با صراحت رخ نمی‌نماید و در پژوهش‌های ادبی، اغلب درون‌مایه‌های اصلی مدّ نظر قرار می‌گیرد؛ یعنی درون‌مایه‌ی «عشق»، «عرفان» برای غزل کلاسیک و درون‌مایه‌ی اجتماعی و انتقادی برای غزل معاصر و به کم و کیف آن پرداخته نمی‌شود؛ این در حالی است که درون‌مایه یکی از مهم‌ترین جنبه‌های غزل است که باید شناخته شود. این تحقیق با بررسی مقطع غزل معلوم خواهد ساخت که بررسی مقطع غزل تا حد زیادی درون‌مایه‌ی غزل را آشکار می‌سازد؛ زیرا نمودار روشنی از درون‌مایه‌ی غزل را دربردارد؛ از این رو بررسی مقطع غزل برای شناسایی درون‌مایه‌ی غزل می‌تواند مورد توجه محققان معانی غزل باشد. چنان‌که ذکر شد درون‌مایه، در لایه‌های نمادین و ایهام و تأویل پوشیده می‌ماند و در مورد شاعرانی چون میرکرمانی، خواجوی کرمانی و عمادفقیه کرمانی، مشکل دیگری نیز اضافه می‌شود که باعث ناشناخته‌ماندن درون‌مایه غزل آنان می‌شود؛ زیرا این سه، در سایه‌ی شکوه و عظمت غزل‌سرایانی چون سعدی و حافظ قرار گرفته و کمتر مورد توجه واقع شده‌اند، درحالی‌که هر سه از غزل‌سرایان قرن هشتم هستند که در سیر تکامل غزل فارسی نقش داشته‌اند و جایگاه برخی شاعران از جمله خواجوی کرمانی و عمادفقیه کرمانی «در تداوم و قوام بخشیدن به قالب غزل به جای خود محفوظ است» (روزبه، ۱۳۷۹: ۱۵). با توجه به آنچه ذکر شد و نیز با عنایت به اینکه درباره‌ی درون‌مایه‌ی غزل این سه شاعر کرمانی تحقیقی انجام نشده است و نیز از آنجا که درون‌مایه در مقطع غزل به‌طور جداگانه بررسی نشده است، انجام پژوهش حاضر توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد.

۲. بحث

شعر را می‌شود از دو جنبه‌ی «فنی و ظاهری» و «معنوی» بررسی کرد، اما «زمینه‌ی معنوی شعر را می‌توان بدین‌گونه مورد بحث قرار داد که هر تجربه‌ی شعری حاصل عاطفه‌ای، یا اندیشه‌ای، یا خیالی است و بی خیال و نیروی آن، هیچ کدام از آن دو عنصر قبلی نمی‌تواند سازنده‌ی شعر به معنی واقعی کلمه باشد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۲۴)؛ بنابراین شعر با سه عنصر عاطفه و اندیشه و خیال تولید می‌شود؛ از میان این سه عنصر، «خیال» عنصر الزامی شعر است. عاطفه نیز از عوامل پیدایش شعر است؛ عواطف را نمی‌شود به‌طور دقیق دسته‌بندی کرد، اما یکی از دسته‌بندی‌ها این است که عنصر عاطفه را به سه دسته‌ی «عواطف شخصی» (مانند احساس شاعر در مدح به امید پاداش)، «عواطف رنج‌آمیز» (که رنج‌های مخاطب را برمی‌انگیزند از قبیل حسد و خشم و ناامیدی) و «عواطف و احساس‌های ادبی» که عبارت است از «زیبایی و احساس آن» تقسیم کرد (همان جا). اندیشه نیز به‌عنوان یکی دیگر از عناصر سازنده‌ی شعر، اهمیت بسیار دارد.

با توجه به آنچه نقل شد جنبه‌ی معنایی شعر از سه عنصر خیال، عاطفه و اندیشه تشکیل شده است. حال باید دید درون‌مایه که «فکر اصلی و بنیادی و نسبتاً انتزاعی است که در اثر ادبی صورت بیانی ملموس می‌یابد» (مدرسی، ۱۳۹۰: ۱۵۷) چه ارتباطی با این سه عنصر دارد. به نظر می‌رسد درون‌مایه یا فکر اصلی در یک اثر ادبی، عناصر عاطفه و اندیشه را